

بررسی تطبیقی آیات «مودت» و «تطهیر» در روایات شیعه و اهل سنت

سهراب مروتی*

عبدالجبار زرگوش نسب**

چکیده

پیوند قرآن و عترت مهم‌ترین تدبیر پیامبر به منظور نگاه‌داری ساحت قرآن کریم است که اگر از همان آغاز مورد بی‌مهری قرار نمی‌گرفت، هرگز آن‌همه تشتت فکری، تفرقه مذهبی، اختلاف عقیدتی و سست‌پنداری در تفسیر معارف پدید نمی‌آمد. سوگمندانه باید پذیرفت، آنچه در قرن‌های نخستین تاریخ اسلام بر سر منابع روایی و آثار حدیثی آمد و تنگناهای عظیمی که برای اهل بیت علیهم‌السلام و اراده معارف قرآنی پدید آورد، مسبب شد که امت اسلامی آن‌گونه که باید از این چشمه زلال بهره‌برداری ننماید.

اهل بیت علیهم‌السلام مفسران و حامیان واقعی قرآن هستند و قرآن نیز بر مقام والای عصمت آنها و دوستی مردم نسبت به ایشان تأکید دارد؛ از جمله آیات «مودت» و «تطهیر» بر فضیلت و موقعیت ویژه اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام دلالت دارند و تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران اهل تسنن بر آن تأکید ورزیده‌اند. البته عده‌ای بر اساس کینه‌های دیرین یا گرایش‌های مذهبی، برای در ابهام ماندن دلالتشان با استناد به برخی از روایات، شبهاتی نسبت به مدلول آنها وارد کرده‌اند. این مقاله درصدد آن است که نشان دهد هیچ‌یک از این شبهات وارد نیست و دلالت این آیات بر آن روشن است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اهل سنت، شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام، مودت، تطهیر.

* استادیار دانشگاه ایلام. تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۲

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

مقدمه

قرآن و عترت دو رکن اساسی اسلام هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز دعوت بر آن تأکید ورزید و در طول دوران پیامبری و رسالتش حفظ آن پیوند را یادآوری نمود، اما متأسفانه پس از رحلت پیامبر رحمت این تدبیر بی نظیر مورد بی مهری قرار گرفت و این همه تشنت فکری، تفرقه مذهبی و کج فهمی عقیدتی که در بین مسلمانان پدید آمد، نتیجه آن غفلت غیرقابل جبران بود. در این راستا بود که در قرن های نخستین تاریخ اسلام، تنگناهای عظیمی برای اهل بیت و پیروانشان پدید آوردند، تا بلکه آن معارف زلال به نسل های دیگر منتقل نگردد. به دنبال آن، مذاهب متعددی پدید آمد که برای مستند ساختن مرام و مسلک فکری و عملی خود به دلایل شرعی و ثابت کردن ناسازگار نبودن مذهبشان با آیات قرآن کریم، دست به اقداماتی زدند.

ابوری در این باره نوشته است: «این اقدامات موجبات سرگردانی و حیرت نومسلمانان و پیدایش جریان های ارتداد و انحراف های عقیدتی، شدت یافتن کار جعل حدیث، روی آوردی مسلمانان به علمای یهود و نصاری برای دریافت قصص امت های پیشین را فراهم آورد.»^(۱) آنان برای رسیدن به اهداف نامیمون خود کوشیده اند که به جای تحریف و اژه ها و جملات قرآن کریم، به تحریف معانی و دلالت های آن پردازند و پر عمق نگرانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به بهره برداری نادرست از آیات صحه بگذارند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اکثر ما اخاف علی امتی من بعدی رجل یناول القرآن یضعه علی غیر مواضعه»^(۲) بیشترین چیزی که از آن بر امت خود نگران هستم،

این است که پس از درگذشت من، کسی قرآن را در دست گیرد و به تفسیر آن پردازد، ولی آن را در جایگاه واقعی و معانی درستش قرار ندهد. امام باقر علیه السلام نیز درباره آنان چنین فرمود: «کنار نهادن و فرافکندن آنان درباره قرآن چنین بود که ظاهرش را ارجح نهادند و قرائت کردند، ولی حدود و محتوایش را تحریف کردند.»^(۳) از این رو، آنان در ذیل آیاتی که بر فضیلت اهل بیت علیهم السلام و موقعیت ویژه آنان دلالت دارند، نقل قول ها و شبهاتی وارد کردند که موجبات تحریف معانی قرآن کریم را پدید آورد. اصرار آنان برای تصرف در مدلول این دسته از آیات، دور ساختن اهل بیت نبوت از امامت و اثبات مشروعیت خلافت دیگران بود.

این پژوهش برای دستیابی به معانی روشن این آیات، دیدگاه فریقین را مورد سنجش قرار داده است و با دسته بندی دقیق شبهات به پاسخ گویی آنها پرداخته است. امید است این روشنگری، خدمتی به تاریخ اسلام باشد و راهی به سوی صراط مستقیم فراروی جوانان و پژوهشگران قرار دهد. از این رو، نگارندگان در پی آن هستند که به این سؤال مهم پاسخ گویند: پاسخ شبهات آیات «مودت» و «قرین» با استناد به آیات قرآن کریم، روایات مأثوره از ائمه اطهار علیهم السلام، کتاب های معتبر لغت، اشعار مستند شعرا و مانند آنها کدام است؟

آیه مودت

﴿قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا التَّوَدُّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)

تمام مفسران شیعه و جماعتی از مفسران

کرده‌اند که سوره «شوری» مکی است، بجز چهار آیه آخر آن، که در مدینه نازل شده است.^(۹)

ج. روایتی که درباره شأن نزول آیه مودت گزارش شده، متواتر، مفید قطع و یقین و به طرق گوناگون و متعدد روایت شده است. علاوه بر علمای امامیه، صحابه و تابعین و مفسران اهل سنت نیز تصریح دارند بر اینکه این آیه درباره پنج تن آل عبا و اهل بیت علیهم‌السلام است. در کتاب‌های اهل سنت جمعاً هفت روایت درباره آیه مودت وجود دارد که به وسیله ۲۷ نفر در دوازده کتاب به قرار زیر آمده است: راویان: احمد بن حنبل، ثعلبی، بخاری، مسلم، سیوطی، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی، ابن مردویه، حاکم، واحدی، ابی نعیم، حموسی، ابن حجر، طاووس، ابن جریر، ابی دینار، بغوی، زمخشری، قاضی کلان، مغریزی، ابی امامه، سعید بن جبیر، ابن عباس، ابوشیخ، بزاز، عبدالملک بن میسر. کتاب‌هایی که روایت‌های مذکور در آنها ذکر شده عبارتند از: مسند احمد بن حنبل، تفسیر ثعلبی، کشاف، الدر المنثور، ینابیع الموده، مناقب حاکم، الوسیط، حلیة الاولیاء، فرائد السمطين، الصواعق المحرقة، المستدرک حاکم، الشرف المؤید.^(۱۰) از ابن عباس نقل شده است: هنگامی که آیه «مودت» نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نزدیکان شما که دوستی آنها بر ما واجب است، کیانند؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام و دو پسرشان.^(۱۱) شافعی به نازل شدن آیه در مورد اهل بیت علیهم‌السلام اشاره کرده و می‌گوید: «یا اهل بیت رسول الله، حبکم فرض من الله فی القرآن انزله.»^(۱۲) بنابراین، علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام و دو پسرشان، خویشان نزدیک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و وجوب

اهل تسنن منظور از مودت در این آیه را، دوستی اهل بیت علیهم‌السلام، یعنی حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام دانسته‌اند، اما عده‌ای از مفسران با استناد به بعضی از روایات، شبهاتی در این باره روا داشته‌اند که ضمن بیان شبهات مذکور، پاسخ‌های مستند نیز ارائه می‌گردد.

شبهه اول

سوره «شوری» در مکه نازل شده است؛ یعنی پیش از ازدواج حضرت علی علیه‌السلام با فاطمه زهرا علیها‌السلام؛ پس چگونه گفته می‌شود که آیه مزبور در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است؟

نقد و بررسی:

الف. در بین برخی سوره‌های مکی، تعدادی آیات مدنی و یا در بین سوره‌های مدنی، چند آیه مکی نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، سوره «رعد» مکی است، با این حال آیه ۳۱ آن مدنی است: «وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا...»^(۴) همچنین سوره «اسراء» مکی است، ولی آیات ۷۶ تا ۸۰ آن مدنی است: «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ... وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.»^(۵) سوره «مدثر»، بجز آیه آخرش مکی است.^(۶) سوره «مطففين» مکی است، غیر از آیه اول آن.^(۷)

ب. بسیاری از مفسران اهل سنت اظهار داشته‌اند که آیه «مودت» با سه آیه بعدش در مدینه نازل شده است. آلوسی گفته است: سوره «شوری» بجز چهار آیه آخر آن از «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ...» تا پایان سوره مکی است و از قول مقاتل نیز نقل کرده است که در این سوره آیه مدنی وجود دارد.^(۸)

شوکانی نوشته است: «ابن عباس وقتاده روایت

مردشان نیز آشکار و غیر قابل انکار است؛ از این رو، تعظیم و تکریمشان واجب و ضروری است و دلایل ذیل بر این مدعا دلالت می‌کنند:

۱. سخن خداوند در آیه شریفه مودت.

۲. سخنان پیامبر ﷺ درباره فاطمه زهرا علیها السلام که فرموده: «فاطمه پاره تن من است. هر کس او را بیازارد مرا آزرده است.»^(۱۳) و نیز بیانات متواتر آن حضرت درباره حسن و حسین علیهما السلام و اظهار محبت ویژه به آنان. همچنین احادیث بی‌بدیل آن حضرت درباره امام علی علیه السلام. پس بر تمام مسلمانان واجب است از این آیات پیروی کنند: «وَأَتَّبِعُوا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف: ۱۵۸)؛ او را پیروی کنید. امید است که هدایت شوید. «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» (نور: ۶۳)؛ پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند، بترسند.

۳. دعا و درود فرستادن بر اهل بیت علیهم السلام مقام بزرگ و عظیمی است. از این رو، این دعا و درود در خاتمه تشهد نماز قرار داده شده است و این تعظیم فقط اختصاص به اهل بیت علیهم السلام دارد. بنابراین، همه اینها بر وجوب، حب آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دلالت دارند. به قول شافعی:

إن كان رفضاً، حب آل محمد

فليشهدا الثقلان انی رافضی^(۱۴)

ترجمه: اگر محبت خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفض - رد کردن خلافت خلفای سه گانه - است، همه جن و انس یا زمین و آسمان گواهی دهند که من رافضی هستم.

شبهه دوم

«القربی» در این آیه به معنای تقرب به سوی خداوند است و مفهوم مودت قربی، تودد و اظهار علاقه و

محبت نسبت به خداوند متعال است و با اطاعت از خداوند نیز تقرب حاصل می‌گردد. بنابراین، معنای آیه این چنین است: «المودة فی التقرب الی الله»؛ یعنی مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن تقرب به خدا. به عبارت دیگر، یعنی دوست داشته باشید که با انجام عمل صالح و اطاعت فرمان خدا، به خدا تقرب بجویید. مستند این قول روایتی است منسوب به ابن عباس در مورد مودت: «قل لا أسألكم علیه اجراً علی ما جئتمکم به من البینات و الهدی إلا ان تقربوا الی الله بطاعته.»^(۱۵) گروهی دیگر آن را از حسن بصری نقل کرده‌اند.^(۱۶)

نقد و بررسی:

الف. در کتاب‌های لغت، «قربی» به معنای تقرب استعمال نشده است و به کارگیری آن بدین معنا مخالف معنای لغوی است. فیومی گفته است: «قربی»، «قربیه»، «قربیت» و «قرب» مصدر است. «قرب» در مورد مکان گفته می‌شود و «قربیت» در مورد منزلت و «قربیت» و «قربی» در مورد رحم و خویشاوندی به کار می‌رود.^(۱۷) در جمهره نیز «قرب» شخصی به نزدیک و از لحاظ نسب مادری یا پدری معنا شده است.^(۱۸) علاوه بر آن، در قرآن کریم «قربی» به غیر خویشاوند اطلاق نشده است.

ب. اگر مقصود، تقرب به خدا بود، هیچ وجهی نداشت کلمه‌ای که دلالت بر خداوند متعال داشته باشد، بی‌جهت و بدون هیچ قرینه، شاهد و عذری آورده نشود.

ج. اساس تقرب به خدا، ایمان و عمل صالح است که از طریق راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دست می‌آید و اجر و پاداش نیز پس از عمل به

ب. این دوستی احتیاج به سفارش نداشته و مردم خویشاوندان خود را تا زمانی که دشمنی فراهم نیامده، دوست دارند. علاوه بر آن در مورد پیامبر ﷺ دوستی مشرکان هیچ تناسبی با اجر رسالت ندارد.

ج. دلیلی بر اختصاص ضمیر جمع به خویشان پیامبر ﷺ وجود ندارد. ضمیر جمع در این آیه مانند ضمیر جمع‌های دیگری که در قرآن کریم آمده است، عمل می‌کند. همچنین تصور اجر برای خویشان کافر پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا آنان از این پیام هیچ بهره‌ای نبرده‌اند، اما خویشان مؤمن آن حضرت، مانند: علی علیه السلام، حمزه، جعفر و... خودشان پیامبر ﷺ را دوست داشتند. علاوه بر این، دوستی کافران از لحاظ خویشاوندی برای پیامبر ﷺ که مأمور به دشمنی آنهاست، چه اثری دارد و فقط مناسب این است که بفرماید: من توقعی از شما خویشان ندارم، جز اینکه به واسطه خویشاوندی با من معارضه نکنید و کاری به کار من نداشته باشید؛ اما دوستی خویشان مؤمن پیامبر ﷺ از لحاظ خویشاوندی پیامبر حاصل است، بلکه آن حضرت را بالاتر و بیشتر از جنبه خویشاوندی دوست دارند.

د. درخواست «مودت» از مشرکانی که به پیامبر ﷺ کافرنند، هرچند از خویشاوندانش باشند، امری غیر معقول و حاکی از ضیاع و ذلت درخواست‌کننده است که ساحت مقدس نبی اکرم ﷺ اجل و اشرف از آن است و از این مهم‌تر آنکه با مقام پیامبری و آیه شریفه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴) منافات دارد.

ه. این معنا با روایات فراوانی که در معنای

راهنمایی‌های پیامبر ﷺ به دست خواهد آمد. پس احتمال آنکه مقصود، تقرب به خداست، مسلماً خلاف ظاهر، بلکه خلاف نص است.

د. سند روایتی که به آن استناد شده است، همچنان‌که در فتح الباری آمده، ضعیف می‌باشد. (۱۹) مهم‌تر اینکه روایات فراوانی در کتب فریقین وجود دارد که معنای «قربی» و تفسیر آن را به آل عبا و آل محمد، بخصوص علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو پسرشان به تفصیل بیان کرده‌اند. بنابراین، احتمال اینکه مقصود از دوست داشتن، تقرب به خدا باشد، منتفی است.

شبهه سوم

آیه «مودت» خطاب به قریش است و منظور این است که مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن من به خاطر خویشاوندی که بین من و شما وجود دارد. در روایتی چنین آمده است: کسی درباره مضمون آیه سؤال پرسید. سعید بن جبیر در پاسخ گفت: منظور از قربی، اهل بیت علیهم السلام است. ابن عباس به سعید گفت: در پاسخ به این سؤال عجله کردی، چون پیامبر، نسبت خویشاوندی با تمام قبایل قریش دارد... (۲۰)

نقد و بررسی:

الف. طبق معنای بالا، مخاطب در آیه «مودت» مشرکان قریش و کسانی هستند که به نحوی پیوند خویشاوندی با پیامبر ﷺ دارند، در صورتی که تمام مسلمانان مورد خطاب آیه هستند و خطاب آن عام است و تخصیص گفته شده بدون منحصر و بدون دلیل است.

«قریبی» و شأن نزول آیه در کتب عام و خاصه وجود داد ناسازگار است. بخصوص اینکه در شأن نزول آن آمده است که آیه مدتی است نه مکی.

و در سند روایت مورد استناد شعبه بن حجاج قرار دارد که به جعل حدیث و دروغگویی معروف است. همچنانکه نویسنده فتح الباری با صراحت به این موضوع پرداخته است.^(۲۱) بنابراین، روایت مزبور که مستند شبیه است، از اعتبار ساقط است.

شبهه چهارم

عدم سازگاری درخواست پاداش با مقام نبوت؛ بدین معنا که درخواست اجر و پاداش در برابر ابلاغ رسالت و هدایت مردم به وسیله پیامبر ﷺ با شأن و مقام نبوت حضرت محمد ﷺ سازگاری ندارد؛ زیرا کار پیامبر صادقانه و خالصانه در راه خدا بوده و در این مسیر رنج و سخت بسیاری را تحمل کرده؛ از این رو، پیامبری که اینگونه در راه خدا به تلاش و کوشش برای هدایت مردم پرداخته است و از هیچ کوششی فروگذار نکرده، شایسته نیست که در برابر تبلیغ رسالتش پاداش بطلبد و آن پاداش هم موذت نسبت به خویشاوندان نزدیکش باشد.

علاوه بر آن نیز گفته شده که آیه موذت با برخی دیگر از آیات قرآن کریم که نفی درخواست پاداش می کنند، تعارض و منافات دارد. مانند آیه ۴۷ سوره «سبا»: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾، آیه ۸۶ سوره «ص»: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾، آیه ۹۰ سوره «انعام»: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ و آیه ۵۷ سوره

«فرقان»: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾

نقد و بررسی:

رسول اکرم ﷺ در برابر تبلیغ رسالت و دعوت مردم به سوی توحید و هدایت آنان، اجر و پاداشی برای خودش درخواست نکرده است و اجری که در آیه «موذت» درخواست کرده، فایده اش به خود مسلمانان برگشت پیدا می کند، چنانچه مفاد آیات مزبور و آیه موذت، مؤید این مطلب است؛ زیرا موذت مسلمانان نسبت به اهل بیت ﷺ، یعنی تمسکشان به این خاندان و اخذ تعلیمات دین از آنان و این همان راه نجات مسلمانان و پیشگیری از انحرافشان می باشد. پیامبر ﷺ نیازی به این موذت ندارد، جز به اندازه ای که سود و فایده و حفظ اصول دین و قرآن و سیره رسول خدا ﷺ در آن نهفته و آن عبارت است از: اخذ تعلیمات و اوامر و نواهی دین اسلام به طور صحیح و دور از هرگونه لغزشی از اهل بیت ﷺ. پس در واقع، فایده این «موذت» به مردم برمی گردد.

بنابراین، مطالب ذیل از آیه «موذت» نیز به دست می آید:

۱. اجر و پاداش رسالت عبارت از دوستی نسبت به خویشاوندان نزدیک (اهل بیت یا قریبی) است.

۲. اجر ذکر شده در عین اینکه دوستی خویشاوندان پیامبران (القریبی) است، راهی به سوی خدا بوده و انسان را به سوی معارف الهی و رضایتش می برد.
۳. سود و فایده این اجر و پاداش، هدایت و دستگیری مسلمانان است که به خودشان می رسد.

۴. پیامبر اکرم ﷺ هیچگاه این اجر را تحمیل نمی کرد، بلکه پذیرش دوستی «قریبی» از سوی

خداوند بر مسلمانان واجب شده است.
 ۵. نه تنها بین آیاتی که «اجر» در آنها آمده بود، تعارضی وجود ندارد، بلکه آنها با همدیگر هماهنگ بوده و یکدیگر را تفسیر می‌کنند.
 ۶. واژه «قل» دلالت بر این مطلب می‌کند که نخواستن مزدی غیر از دوستی خویشان، به دستور خداوند متعال به پیامبر بوده است که آن حضرت چنین مطلبی را برای مردم بازگو نماید. بنابراین، پایمال کردن اجر رسالت، هم تضييع حق الهی است، هم تضييع حق رسول و حق خویشان رسول خدا.

شبهه پنجم

منظور از آیه مودت این است که از شما برای این تبلیغ مزدی نمی‌خواهم، جز اینکه بعضی از شما، بعضی دیگر را دوست بدارید و با خویشاوندانتان ارتباط داشته باشید. (۲۲)

نقد و بررسی:

اولاً، این ادعا با ظاهر آیه شریفه که درخواست‌کننده آن رسول خدا ﷺ است و سخن از اجر و تبلیغ اوست، سازگاری ندارد.

ثانیاً، با روایاتی که «قریبی» را به خویشان نزدیک پیامبر (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) تفسیر کرده‌اند، متعارض است.

آیه تطهیر

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳)

بیشتر مفسران بر این موضوع اتفاق نظر دارند که آیه «تطهیر» اختصاص به «اهل عبا» دارد و اهل عبا

هم عبارتند از: پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام. اما برخی از مفسران اهل تسنن، وجوه دیگر برای اهل بیت برشمرده‌اند که نخست به بیان آنها می‌پردازیم و سپس پاسخ‌های متناسب ارائه خواهیم کرد.

شبهه اول

منظور از اهل بیت در این آیه، زنان رسول خدا ﷺ است. عکرمه در بازارها ندا می‌داد و مردم را برای مباحله بدان فرا می‌خواند که منظور از «اهل بیت» در این آیه، خصوص زنان پیامبر است و احدی غیر از آنها را دربر نمی‌گیرد. (۲۳) این ادعا را به سعید بن جبیر، مقاتل، کلبی و عطاء نیز نسبت داده‌اند. (۲۴) دلیلی که برای این ادعا ارائه شده است، وحدت و سیاق آیات است؛ زیرا آیات پیش و پس از آیه، مربوط به زنان پیامبر است، پس همان سیاق آیه نیز مربوط به زوجات رسول خدا است. شوکانی نیز در این باره نوشته است: ابن عباس، عکرمه، عطاء، کلبی، مقاتل و سعید بن جبیر گفته‌اند: منظور از اهل بیت در آیه اهل ذکر شده، زنان پیامبر است. (۲۵)

نقد و بررسی:

الف. سیاق زمانی می‌تواند دلیل و حجت باشد که گوینده از آغاز تا پایان سخن درصدد بیان یک موضوع است، اما اگر معلوم شود که گوینده درصدد بیان چند مسئله متعدد و گوناگونی است که از نظر موضوع احکام با هم اختلاف دارند، در این صورت بیان موضوعات متفاوت نه مخالف با ظهور سیاقی است و نه بر جنبه بلاغی اخلال وارد می‌کند.

بنابراین، وحدت سیاق مستلزم وحدت موضوعی و حکم نیست. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است: «از عقل و قیاس مردمان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست؛ چراکه اول آیه درباره یک چیز، وسط آن درباره چیزی و آخرش درباره چیز دیگر فرود می آید.» سپس فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۲۶)

ب. سیاق، قرینه کلام است و در صورتی که نصی دیگر وجود نداشته باشد که با آن منافات داشته و متعارض باشد قابل پذیرش است، در حالی که در موضوع مورد بحث، روایات صحیح و در حد متواتر از طریق فریقین، بخصوص اهل سنت برای اثبات اهل بیت پیامبر علیهم السلام در منابع مستند وجود دارد و حجیت خبر واحد نیز در نزد اهل سنت و شیعه قطعی است. از این رو، ادعای این گروه سالیبه به انتقای موضوع است؛ زیرا جایی برای تمسک به سیاق باقی نمی ماند.

ج. اجماع تمام مسلمانان این است که قرآن کریم به تدریج فرود آمده است، اما به ترتیب نزول جمع آوری نشده است. بنابراین، تمسک به وحدت سیاق، دلیلی بر ادعا نیست؛ زیرا اطمینانی مینی بر اینکه این آیه به هنگام نزول در همین سیاق نازل شده باشد وجود ندارد. (۲۷)

د. آیات پیش و پس از آیه تطهیر که درباره زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، دارای ضمیر مؤنث می باشند. در حالی که دو ضمیر موجود در آیه تطهیر مذکر است. بنابراین، از نظر ظاهر سخن، امکان ندارد این آیه درباره همسران پیامبر باشد. در این زمینه بسیاری از علمای اهل سنت گفته اند؛ خطاب در

آیه تطهیر به ضمیر مذکر است و اگر مراد از آن زنان پیامبر می بود، خطاب با ضمیر جمع مؤنث (عنکن - یسطهرکن) بر طبق روال آیات قبلی و پس از آیه می آمد. در فتح القدر آمده است: ابومسعود خدری، مجاهد و قتاده گفته اند که منظور از اهل بیت آیه، علی، فاطمه، حسن و حسین می باشند. دلیل آنها ضمیر خطاب در آیه است که برای جمع مذکر است، نه مؤنث. (۲۸)

بنابراین، روایات کلی از اعتبار و حجیت ساقط می شود؛ زیرا متعارض با روایت مزبور است. اما اینکه سعید بن جبیر و عطاء که روایت را از قول ابن عباس نقل کرده اند، چون راویان پس از طبقه آنان ضعیف می باشند، قابل اعتنا نیست. سه راوی دیگر، یعنی عکرمه بربری غلام عبداللّه بن عباس، مقاتل بن سلیمان و عروقه بن زبیر به دروغ گویی و جعل حدیث مشهور می باشند. نسائی گفته است: مقاتل دروغگو است و از جمله دروغ گویانی به شمار می رود که حدیث جعل می کنند. (۲۹) جوزجانی می گوید: مقاتل، کذابی بی باک بود. (۳۰) ابن حبان گفته است: مقاتل، علم قرآن را از یهود و نصارا آن گونه که موافق کتاب های آنان بود، می گرفت. (۳۱)

عروقه بن زبیر به دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اشتها داشت و از دشمنان سرسخت حضرت علی علیه السلام بود. هنگامی که نام امام نزد او برده می شد، ناسزا می گفت. (۳۲) ابوعبدالله عکرمه بربری یکی از خوارج حدیث ساز دوره تابعین بوده است. عبداللّه بن عمرین خطاب به غلام خود (نافع) گفته است: وای بر تو ای نافع، از خدا بترس و مانند عکرمه که به ابن عباس نسبت می داد، به من دروغ نسبت مده. (۳۳) زید بن عبداللّه بن اسحاق حضر می گفته است: عکرمه

عقاید اباضیه داشته است.^(۳۴) درباره اش گفته اند: کذاب است و به حدیث او احتجاج نکنید.^(۳۵) نقل شده است که عبداللّه بن عباس او را به در مستراح بسته بود، به او گفتند: آیا از خدا نمی ترسی؟ پاسخ داد: این خبیث بر پدرم دروغ می بندد.^(۳۶) اکنون سؤال این است، عکرمه ای که از فرقه خوارج بود و علی علیه السلام را تکفیر می کرد و در جعل حدیث ید طولانی داشت، چگونه درباره آیه ای که علی علیه السلام یکی از مصادیق آن است، حدیث جعل نکند؟

ه. از بررسی روایاتی که در شان نزول آیه «تطهیر» وارد شده است، معلوم می گردد که این آیه، با آیاتی که خطاب به زنان پیامبر صلوات الله علیهم است، نازل نشده، بلکه در حادثه و واقعه ای خاص و معین نازل شده است؛ چنان که از روایات ام سلمه و عایشه فهمیده می شود.^(۳۷) ابن کثیر این روایت را به طرق گوناگون در تفسیرش نقل کرده است.^(۳۸)

مسلم از عایشه نقل کرده است: پیامبر صلوات الله علیهم هنگام ظهر بیرون خانه رفت... سپس حسن آمد، او را زیر عبا قرار داد، پس از او حسین آمد. او را نیز به زیر عبا برد، سپس فاطمه و علی را نیز درون آن برد و فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.^(۳۹) بعضی از این روایات نقل می کنند: پیامبر صلوات الله علیهم پس از آن برای پاکیزگی شان دعا فرمود.^(۴۰) در بیش از هفتاد حدیث از طریق اهل تسنن روایت گردیده و در بیش از چهل منبع از منابع معتبر اهل تسنن تصریح شده است که این آیه در شان رسول خدا صلوات الله علیهم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.^(۴۱)

و. هیچ یک از زنان پیامبر ادعا نکرده است که آیه

تطهیر درباره آنان نازل شده است، بلکه به عکس، آن را نفی کرده و تصریح نموده اند که این آیه درباره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندانشان نازل شده است. ام سلمه می گوید: پس از نزول آیه تطهیر، به پیامبر صلوات الله علیهم عرض کردم: آیا من هم می توانم داخل کساء شوم؟ پیامبر در پاسخ فرمودند: عاقبت به خیر خواهی شد. به خدا سوگند، پیامبر صلوات الله علیهم فرمود: آری.^(۴۲) در جای دیگر آمده است: «پیامبر از ورود زینب، همسر رسول خدا صلوات الله علیهم به زیر عبا با آنان (علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام) جلوگیری کرد و به وی فرمود: جای خود بمان، عاقبت تو خیر خواهد شد.»^(۴۳) ابن ابی شیبیه، مسلم، احمد، ابن حریر، ابن ابی حاتم از عایشه این روایت را نقل کرده اند که پیامبر صلوات الله علیهم فقط علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فرزندانشان را زیر عبا جای داد.^(۴۴) در جای دیگر آمده است که عایشه به پیامبر گفت: «آیا من هم از اهل بیت تو هستم؟ پیامبر صلوات الله علیهم فرمودند: برو کنار، تو پایان خوشی داری.»^(۴۵)

شبهه دوم

منظور از اهل بیت در آیه، پیامبر، همسرانش، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهم السلام است. قسطلانی از قول بخاری نقل کرده است که اهل بیت، زنان پیامبر صلوات الله علیهم، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام می باشند که در این گفتار اسم پیامبر نیامده است.^(۴۶) ابرحیان گفته است: اهل بیت صلوات الله علیهم اعم از خاندان علی است که شامل خاندان علی علیه السلام و خاندان عقیل و عباس می شود، از این رو، لفظ مذکر بر مؤنث غالب آمده است.^(۴۷) عده ای گفته اند: چون سبب نزول آیه زنان پیامبر بوده اند، از این رو، آنها در

آیه تطهیر مورد نظر هستند. (۴۸) گروهی دیگر برای ورود زنان پیامبر در مضمون آیه تطهیر می‌گویند: ظهور آیه دلالت بر عمومیت آن دارد. (۴۹) عده‌ای نیز به این پندارند که این تعبیر از باب تغلیب است که مذکور بر مؤنث علیه پیدا کرده است. (۵۰) بعضی دیگر گفته‌اند: لفظ بیت لفظی عام و کلی است که بر جمع اطلاق می‌شود. (۵۱) برخی مذکر بودن لفظ «اهل» را موجب ورود زنان در زمرة اهل بیت دانسته‌اند. (۵۲)

نقد بررسی:

الف. این مطلب که سبب نزول آیه، زنان پیامبر می‌باشد، مورد شک و تردید است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد سبب نزول آیه، حدیث کساء است که ده‌ها تن از طرق گوناگون و الفاظ متفاوت آن را نقل کرده‌اند. شماری از این راویان خودشان نیز تصریح کرده‌اند که در واقعه حضور داشته و آن را از نزدیک با چشمانشان مشاهده کرده‌اند که پیامبر ﷺ اسامی اصحاب کساء را به طور مشخص بیان فرموده است. ب. اما اینکه گفته‌اند این تعبیر از باب تغلیب است، در پاسخ باید گفت: هنگامی می‌توان باب تغلیب را پذیرفت که محرز شود هیچ‌یک از دو طرف در نظر گوینده خصوصیتی ندارد و او شمول حکم بر همگان را اراده کرده و از سوی دیگر قرینه‌ای هم بر خلاف آن وجود نداشته باشد، در حالی که در مسئله مورد بحث این‌گونه نیست. (در حدیث کساء به طور صریح زنان پیامبر از دایرة شمول خارج هستند.) (۵۳) علامه مجلسی در رد این استدلال گفته است: «خطاب زنان پیامبر سرشار از سرزنش، عقاب و تهدید است، اما خطاب اهل بیت آراسته به انواع مهربانی، نوازش و مبالغه در اکرام و بزرگداشت است. پس با دقت نظر

تبیان کامل این آیه و آیات پیش و پس از آن بر کسی پوشیده نمی‌باشد.» (۵۴)

ج. منظور از بیت، خانه مسکونی نیست، بلکه منظور نبوت و رسالت است. علاوه بر آن اگر بپذیریم که منظور خانه مسکونی است، منظور همان خانه مشخصی است که رسول خدا ﷺ اهل کساء را در آن جمع کرد. «الف» و «لام» البیت هم برای عهد خارجی است نه خانه‌های زنان.

د. لفظ اهل هم بر مذکر دلالت دارد هم مؤنث. زمرخسری در تفسیر آیه «هَذِهِ الْقُرْبَى الظَّالِمِ أَهْلُهَا» بر این مطلب تأکید نموده است. (۵۵) بهتر این بود که بر طبق سیاق مؤنث می‌آورد. همچنین واژه اهل آیه تطهیر، تابع «عنکم» است و تابع نمی‌تواند از جهت مذکر یا مؤنث بودن در متبوع اثر کند.

شبهه سوم

مراد از اهل بیت در آیه شریفه، خویشاوندان پیامبر ﷺ از بنی هاشم می‌باشد. ابن عباس در این باره از قول پیامبر ﷺ نقل کرده است: «خداوند خلق را در قسم کرده و مرا در قسمت بهتر قرار داده است... پس قبایل را خاندانی چند و مرا در بهترین خاندان قرار داد. این فرموده خداوند متعال است «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...» من و اهل بیت من پاکیزه از گناهان هستیم.» (۵۶) زید بن لرقم در پاسخ به حصین که از او پرسید: آیا اهل بیت شامل زنان پیامبر هم می‌شود، گفت: نه، به خدا سوگند، اهل بیت پیامبر ﷺ، اصل و عصبه اویند. آنان سپس از صدقه محروم شدند. (۵۷) در فتح القدير آمده است: «... اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام شده است؛ مانند آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عیاس.» (۵۸)

نقد و بررسی:

الف. حدیث ابن عباس با حدیث کساء منافاتی ندارد؛ زیرا منظور این است که عنایت خداوند بر این تعلق گرفته که پیامبر ﷺ از خانواده‌ای با شرافت و پاکیزه و دارای فضیلت باشد. حال اگر این پیامبر پس از آنکه به پیامبری رسید، اهل بیته داشت که از گناهان پاکیزه بودند، خلاف قاعده نخواهد بود. علاوه بر آن، اگر پیوندهای قبیله‌ای معیار بود، منی‌بایست ابوطالب و امثال او هم از گناهان پاکیزه باشند.

ب. اما تفسیر زید بن ارقم از آیه، مستند به هیچ دلیلی نیست و تنها رأی شخصی خودش است. معلوم است که تفسیر به رأی، نه تنها در نزد شیعه، بلکه در نزد بیشتر مذاهب اهل تسنن نیز مردود می‌باشد. حتی برخی از مذاهب اهل تسنن مانند حنفی‌ها که به رأی عمل می‌کنند، در صورتی است که دلیلی از کتاب و سنت وجود نداشته باشد. در مسئله مورد بحث، نصوص صریح و متواتری در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد که اهل بیت را در پنج نفر اهل عبا مشخص کرده است. فخر رازی نوشته است: «نظر من این است که آل محمد ﷺ کسانی هستند که امورشان به پیامبر ﷺ بازمی‌گردد. پس کسانی که پیوندشان با پیامبر محکم‌تر، استوارتر و کامل‌تر است، آنان آل محمد ﷺ می‌باشند و تردیدی نیست که ارتباط و پیوندی که فاطمه ﷺ، علی ﷺ، حسن و حسین ﷺ با رسول خدا ﷺ داشتند، بیش از هر کس و هر چیز بوده است و این امری است که همچون معلوم به نقل متواتر و قطعی است. لذا واجب است که اینها آل باشند.» (۵۹)

با قطع نظر از آرا و روایات شیعه، روایتی که بیان

می‌کند، منظور از اهل بیت در آیه نزد اهل تسنن همان پنج نفر اهل عبا هستند، به طرق گوناگون نزد آنها نقل شده و به حد متواتر رسیده است و خیر متواتر، مفید قطع و یقین است. از این رو، هر روایتی که برخلاف آل باشد، خیر واحد است و با فرض تسلیم به صحت سند آل، مفید ظن است و همین دلیل قطعی (خبر متواتر) و دلیل ظنی (خبر واحد) تعارض حاصل نمی‌شود، بلکه آنچه خلاف آل (دلیل قطعی) است، از حجیت و اعتبار ساقط است. (۶۰)

ج. اگر سخن زید درست باشد، بر رسول خدا ﷺ لازم بود که عباس و فرزندانش، عقیل، جعفر و دیگر نزدیکانش را زیر عبا آورد و از جلوی خانه آنان بگذرد و این آیه را تلاوت کند. علاوه بر آن معلوم نیست که مراد از بیت، به بیت نسبی و اصل و عصبه پیامبر و یا خانه مسکونی و یا هر دو باشد. هر چند ارجح این است که منظور از بیت، بیت نبوت و رسالت باشد و اعضای این بیت، از طریق راهنمایی پروردگار و به وسیله رسول اکرم ﷺ شناخته می‌شوند. ناگفته نماند که زید بن ارقم در این مقام در صدد بیان مراد عبارت «اهل بیت» در آیه تطهیر نیست، بلکه وی در تفسیر حدیث ثقلین این موضوع را بیان کرده است. اینجاست که امام صادق ﷺ می‌فرمایند: «اگر رسول خدا ﷺ سکوت می‌کرد و نمی‌فرمود که اهل بیته چه کسانی هستند، هر آینه آل عباس، آل عقیل، آل فلان و آل فلان ادعا می‌کردند که ما اهل بیت او هستیم، اما خداوند در تصدیق پیامبرش، این آیه را در کتابش نازل فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...﴾» (۶۱)

شبهه چهارم

عده‌ای دیگر گفته‌اند: منظور از اهل بیت، امت اسلام و یا دست‌کم پاکان و پارسایان از پیروان پیامبرند. در جایی آمده است: آل‌البیت دربرگیرنده همه امت محمد می‌شود^(۶۲) و یا گفته شده منظور از اهل بیت الحرام و بخصوص پرهیزکاران امت است.^(۶۳)

نقد و بررسی:

الف. این سخن اجتهاد در برابر نص صریح، صحیح و متواتر رسول خدا ﷺ است که در آن پیامبر ﷺ اهل بیت را برای پیروانش معین و یکی یکی آنان را معرفی فرموده است. از این رو، به هیچ وجه قابل اعتنا نیست.

ب. اینکه در آیه قرآنی واژه «بیت‌الحرام» ذکر شده است، به هیچ وجه مستلزم آن نیست که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر هم بیت‌الحرام باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که این استدلال، قیاس مع الفارق باشد. بر این اساس است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ چیز مانند قرآن از عقل و قیاس انسان دور نیست؛ چرا که اول یک آیه درباره موضوعی است و آخر آن درباره موضوعی دیگر و سخن متصلی است که قابل تصرف به چندین وجه می‌باشد»^(۶۴)

ج. از همه اینها مهم‌تر اینکه همان‌گونه که اشاره گردید منظور از اهل بیت، بیت نبوت در رسالت، نه بیت‌الحرام و غیر آن است. بنابراین، لرزان بودن این سخن به وضوح پیداست.

نتیجه‌گیری

از آنچه که گذشت به دست می‌آید:

۱. پیوند میان قرآن و اهل بیت، پیوند میان نور و بینایی است. نور وحی در ذات خود روشن و روشنگر است، اما بهره‌گیری از آن، نیاز به چشمانی بصیر و نافذ دارد و رهگذران طریق دیانت به میزان بصیرت و بینایی خویش از آن سود می‌جویند. این دو رکن اساسی اسلام همراه یکدیگرند و تمسک به یکی بدون دیگری نادرست و ناتمام به شمار می‌آید. این مهم در آخرین و سرنوشت‌سازترین پیام الهی به رسول گرامی صلی الله علیه و آله (حدیث ثقلین) بیان شد. جداسازی ساحت قرآن کریم از تعالیم عترت و اهل بیت، سبب شد که بسیاری از پرمش‌های محتوایی پیروان دین اسلام نسبت به معارف دین و مطالب وحی بی‌پاسخ بماند و این بی‌پاسخی نتایج ناگواری به بار آورد.

۲. آیات «مودت» و «اهل بیت» هم از نظر دلالت ظاهری آیات و نکات موجود در آنها، هم از نظر اجماع علمای شیعه در کتب تفسیر و جماعتی از مفسران اهل سنت، هم دلالت علمای اهل لغت و سروده‌های شاعران بر فضیلت گروهی خاص که با رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت می‌برند، آمده است. برای اینان اوصاف و ویژگی‌هایی بیان گشته، منزلتی شایان قرار داده شده و در قبالشان، حقوق و مسئولیت‌های فراوان و گوناگون و در عین حال مهم و خطیری بر عهده پیروان دین اسلام گذاشته‌اند. روایات شیعه و اهل تسنن گویای آن است که منظور از «اهل بیت» و «قربی» چهار نفر است: علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام.

۳. هرچند که عده‌ای برای رسیدن به اهداف نامیمون

- ۱۲- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ص ۱۴۸.
- ۱۳- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۶۵.
- ۱۴- ابی حاتم رازی، الجرح و التمدیل، ج ۲۷، ص ۱۶۶.
- ۱۵- ابی حاتم رازی، الجرح و التمدیل، ج ۲۷، ص ۱۶۶ / ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۴۵۲.
- ۱۶- محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۵۸ / محمد بن حبان، المجروحون، ج ۹، ص ۳۲۴.
- ۱۷- احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۶۵۳.
- ۱۸- محمد حسن ابن درید، جمهرة اللغه، ج ۱، ص ۳۲۴.
- ۱۹- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، ص ۴۵۲.
- ۲۰- محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۲، ص ۶۶ / ابی حاتم رازی، الجرح و التمدیل، ج ۱۰، ص ۴۸.
- ۲۱- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۴۵۲.
- ۲۲- محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۳۱.
- ۲۳- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۰۸ / اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۸۳.
- ۲۴- محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۴۱، ص ۱۸۲ / عبدالقاهر بدوان، تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۲۰۸.
- ۲۵- محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۳۲۸.
- ۲۶- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۰ / محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۱۰.
- ۲۷- محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۵۱ / احمد بن علی بیهقی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۵ / اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۸۵ / محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۲۷۹ / محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۲۲، ص ۱۷ / احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۲۹۲.
- ۲۸- محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۳۲۸.
- ۲۹- عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۴۴ / شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۹۶ / علی بن عمر دارقطنی، الضملاء و المترکون، ص ۶۴ / احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۶۴.
- ۳۰- شمس الدین بن خلکان، وفيات الاعيان، ج ۵، ص ۲۵۶.
- ۳۱- احمد بن عبدالله خزرجی انصاری، خلاصه تهذیب تهذیب الکمال، ص ۳۸۶.
- ۳۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۳ / محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۶، ص ۳۰۰.

خود کوشیده‌اند به جای تحریف مبانی و کلمات قرآن به تحریف معانی و دلالت‌های آن بپردازند و با وجود متون بسیار فراوان و متواتر در موارد متعدد و مناسبت‌های زیاد، اهل بیت نبوت را از امامت دور سازند تا بتوانند مشروعیت خلافت را اثبات نمایند، اما این ادعا از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد: «اهل بیت» و «قربی» همان «اهل کساء» و «اهل عبا» هستند که دوستی و اطاعتشان بر مسلمانان واجب و ضروری است. ناگفته پیداست که ثمره این اقدام به خود مسلمانان و مؤمنان برگشت پیدا می‌کند؛ زیرا بدین وسیله هدایت آنان و مصون ماندنشان از ضلالت قطعیت می‌یابد.

..... پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمود ابوری، اضواء علی السنة المحمدیه او دفاع عن الحدیث، ص ۲۵۵.
- ۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۲.
- ۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵.
- ۴- محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۹، ص ۲۸۷.
- ۵- یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب، ج ۱۰، ص ۲۰۳.
- ۶- احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۲۳.
- ۷- ابن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳۰، ص ۵۸.
- ۸- محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۲۵، ص ۱۰.
- ۹- محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۶۷۱.
- ۱۰- محمد حسن مظفر، دلائل الصدق، ص ۲۵ / محمد تقی شوشتری، اخبار الدخیله، ج ۳، ص ۲.
- ۱۱- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۷ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۲۱۹ / جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۷ / محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، ج ۴، ص ۶۷۲ / محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۲۵، ص ۱۲۵.

- ٣٣- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ٧، ص ٢٦٧.
- ٣٤- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ٣، ص ٩٤.
- ٣٥- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ٥، ص ٢٨٩ / محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ٤، ص ٣٢٧.
- ٣٦- شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال، ج ٣، ص ٤٩٢ / ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ص ٢٢٥ / شمس الدین ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ٣، ص ٢٦٦.
- ٣٧- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ٢، ص ٤٩.
- ٣٨- اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ٢٢، ص ٤٢٩.
- ٣٩- ابوالحسین بن الحجاج القشیری، صحیح مسلم، ج ١٥، ص ١٩٤ / جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ٥، ص ١٩٩ / احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ٤، ص ١٠٧ / محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ٢٢، ص ٧.
- ٤٠- احمد بن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ج ٧، ص ٩١ / محمود زمخشری، الکشاف، ج ١، ص ٢٤٩.
- ٤١- حنفی قندوزی، ینابیع المودة، ص ٢٦٠ / سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ١٦، ص ١٣.
- ٤٢- اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ٢٢، ص ٤٩٢.
- ٤٣- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ٢، ص ٤١٥.
- ٤٤- محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ٤، ص ٣٢.
- ٤٥- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ٨، ص ٣٥٧.
- ٤٦- احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ٢، ص ٥٠ / عبدالقاهر یدران، تهذیب تاریخ دمشق، ج ٤، ص ٢٠٨.
- ٤٧- عبدالقاهر یدران، تهذیب تاریخ دمشق، ج ٤، ص ٤٠٩.
- ٤٨- احمد بن حجر هیثمی، صواعق المحرقة، ص ١٤١.
- ٤٩- احمد بن علی رازی، حصص احکام القرآن، ج ٥، ص ٣٣٠.
- ٥٠- محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ٢٥، ص ٤٠٩.
- ٥١- صیحی صالح، علوم القرآن، ص ١٨٢.
- ٥٢- محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ٤، ص ٢٧٩ / محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ص ٢٦٦ / محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ١٤، ص ٢٢٥.
- ٥٣- محمد بن حسن طبرسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ٨، ص ٣٠٩.
- ٥٤- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٣٥، ص ٢٢٥.
- ٥٥- محمود زمخشری، الکشاف، ج ١، ص ٥٢٥.
- ٥٦- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ٥، ص ١٩٩.
- ٥٧- بیاض عاملی، الصراط المستقیم، ج ١، ص ١٨٥.
- ٥٨- محمد بن علی شوکانی، فتح القدر، ج ٤، ص ٤٥٠.
- ٥٩- محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ٢٥، ص ١٦٦.
- ٦٠- ک. سید محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، ج ١، ص ١٤٩-١٤٦.
- ٦١- محمد بن یعقوب کلیتی، الکافی، ج ١، ص ٢٧.
- ٦٢- ابن تیمیه، مجموعه الرسائل الکبری، ج ٤، ص ٢١.
- ٦٣- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ٨، ص ٣٥٦.
- ٦٤- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ١٨، ص ١٤٢.
- منابع
- آلوسی، محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب، ١٤١٢.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مصر، دارالکتب، ١٩٦٥ م.
- ابن تیمیه، مجموعه الرسائل الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٣٩٢ ق.
- ابن خلکان، شمس الدین، وفيات الاعیان، بیروت، دار صادر، ١٣٨٩ ق.
- ابن درید، محمد حسن، جوهرة اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا.
- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٤.
- ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه او دفاع عن الحدیث، بیروت، البطحاء، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفة، ١٣٠٩ ق.
- یدران عبدالقاهر، تهذیب تاریخ دمشق، بیروت، دارالمیصره، ١٣٩٩ ق.
- بیهقی، احمد بن علی، السنن الکبری، بیروت، دارالمعرفة، ١٣٤٤ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دار احیاء السنة النبویه، ١٤١٢.
- حبان، محمد بن، المجروحون، سوریه، دارالرعی، ١٣٥٩ ق.
- حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ١٣٩٢ ق.
- حنبل، احمد بن، مسند احمد، بیروت، دارالمعرفة، ١٣١٣ ق.
- خسزر جی انصاری، احمد بن عبداللہ، خلاصه تهذیب تهذیب الکمال، بیروت، مکتبة المطبوعات، ١٣٩١ ق.

- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۲.
- دارقطنی، علی بن عمر، الضمحاء و المشروکون، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴.
- ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲.
- رازی، ابی حاتم، الجرح و التعذیل، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۳۳.
- زمخشری، محمود، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۸.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالکتاب، ۱۳۷۷ق.
- شوشتری، محمد تقی، اختیارالدخيلة، تهران، غفاری، بی تا.
- قاموس الرجال، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵.
- صالح، صبحی، علوم القرآن، بیروت، مؤسسة الؤفا، بی تا.
- صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۶.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسة الاعملی، ۱۳۹۷ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۰۴.
- جامع البیان، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۱۲ق.
- عاملی، بیاض، الصراط المستقیم، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
- عاملی، محمد بن حسن حرّ، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
- عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، اسلامیه، بی تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، تهران، دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قاهره، دارالتعارف، ۱۳۴۷ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲.
- قرطبی، یوسف بن عبداللّه، الاستیعاب، مصر، دارالمعارف، ۱۳۲۸ق.
- قشیری، ابوالحسن بن حجاج، صحیح مسلم، مصر، مکتبه محمدعلی صبیح، ۱۳۳۴ق.
- قندوزی، حنفی، ینایع الموده، ترکیه، اسلامبول، ۱۳۰۱ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۷ق.
- مامقانی، عبداللّه، تنقیح المقال، ج سنگی، ۱۳۵۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الؤفا، ۱۴۱۲.
- مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق، قم، بصیرتی، ۱۳۹۵ق.
- هیشمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، قاهره، دارالکتب، ۱۹۶۷ق.